



قیامی علیه «تجدد از بالا به پایین»: اوج‌گیری اعتراض از کجا بود؟

ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی، احداث بناهایی با معماری اروپایی و تشویق به حضور در مجامع عمومی با پوشش غربی، بخشی از پروژه کشف حجاب اجباری بود که با مقاومت شدید فرهنگی و دینی مردم روبرو شد.

ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی، احداث بناهایی با معماری اروپایی و تشویق به حضور در مجامع عمومی با پوشش غربی، بخشی از پروژه کشف حجاب اجباری بود که با مقاومت شدید فرهنگی و دینی مردم روبرو شد.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز ۲۱ تیرماه سالروز قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب اجباری در سال ۱۳۱۴ شمسی است. در تار و پود تاریخ معاصر ایران، رویدادهای سرنوشت‌ساز وجود دارند که نه تنها مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی را دگرگون ساخته‌اند، بلکه بازتاب‌دهنده عمیق‌ترین کشمکش‌های فرهنگی و هویتی یک ملت نیز بوده‌اند. قیام مسجد گوهرشاد مشهد در تیرماه سال ۱۳۱۴ شمسی، یکی از درخشان‌ترین و در عین حال خونین‌ترین این رویدادهاست. این حرکت اعتراضی که در اعتراض به سیاست کشف حجاب اجباری توسط حکومت رضاشاه پهلوی شکل گرفت، بیش از یک مخالفت صرف با یک قانون بود؛ بلکه تجلی مقاومت جامعه مذهبی در برابر رویکردهای اقتدارگرایانه‌ای بود که سنت‌ها و باورهای عمیق مردمی را هدف قرار داده بود.

ریشه‌های عمیق قیام

برای فهم چرایی وقوع چنین واقعه دردناکی، باید به لایه‌های زیرین جامعه و سیاست‌های دوران رضاشاه نگاهی عمیق‌تر انداخت:

رضاشاه پهلوی، که خود از دل یک کودتای نظامی برآمده بود، رؤیای ساختن ایرانی مدرن، متمرکز و قدرتمند را در سر می‌پروراند. او تحت تأثیر مدل‌های دولت-ملت‌سازی در ترکیه آتاتورک و برخی کشورهای غربی، سیاست‌های نوسازی را با قاطعیت و بدون توجه کافی به ظرافت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران پی گرفت. این «تجدد از بالا به پایین» شامل اقداماتی چون اجباری شدن لباس‌های متحدالشکل برای مردان مانند لباس نظامی و کت و شلوار غربی و سپس طرح اجبار برای زنان، گامی در جهت زدودن مظاهر تفاوت‌های صنفی و طبقاتی و ایجاد همگونی ظاهری بود.

علاوه بر آن تغییر برخی اعیاد و مناسبت‌ها، و استفاده از نام‌های ایرانی به جای عربی، تلاشی برای جداسازی فرهنگی از جهان اسلام و تقویت هویت ملی ایرانی بود.

همچنین محدود کردن مدارس علوم دینی، وضع قوانین نظام وظیفه برای روحانیون، و تضعیف ساختارهای سنتی قدرت مذهبی، از جمله اقداماتی بود که ناراضی‌های شدید روحانیون و مردم مذهبی و متشرع ایران را برانگیخت.

افزون بر آن ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی، احداث بناهای با معماری اروپایی، و تشویق به حضور در مجامع عمومی با پوشش غربی، بخشی از این پروژه بود که با مقاومت شدید فرهنگی و دینی مردم روبرو شد.

مسئله حجاب

حجاب، در جامعه ایران آن دوران، صرفاً یک پوشش نبود؛ بلکه نمادی از هویت دینی، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، و بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ عمومی بود. در حالی که رضاشاه حجاب را مانعی برای پیشرفت و تجدد می‌دانست و آن را نمادی از عقب‌ماندگی تلقی می‌کرد، بخش بزرگی از جامعه، به ویژه زنان، آن را نشانه‌ای از عفت، حیا و تعلق به ارزش‌های دینی تلقی می‌کردند. دستور کشف حجاب اجباری در سال ۱۳۱۴، مستقیماً به این حوزه حساس و عمیقاً ریشه‌دار وارد شد و این ضربه فرهنگی، خشم عمومی را برانگیخت.

روحانیت شیعه، به ویژه در مراکز مذهبی چون قم و مشهد، همواره نقش رهبری فکری و اجتماعی را بر عهده داشت. در دوران رضاشاه، علمای برجسته‌ای مانند آیت‌الله سید یونس اردبیلی و به ویژه مرجع عالیقدر شیعه آیت‌الله حاج آقا حسین قمی در مشهد، به طور جدی با سیاست‌های ضد مذهبی حکومت مخالفت می‌کردند. این علما، که از محبوبیت و نفوذ بالایی در میان مردم برخوردار بودند، نقش کلیدی در سازماندهی اعتراضات و بسیج مردم برای مقاومت ایفا کردند. فتوای جهاد علیه کشف

حجاب که از سوی برخی از این علما صادر شد، شور و حرارت بیشتری به حرکت اعتراضی بخشید.

حکومت رضاشاه، با وجود ادعای مدرنیزاسیون، در عمل یک رژیم اقتدارگرا بود که آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را به شدت محدود کرده بود. احزاب سیاسی عملاً تعطیل شده بودند، مطبوعات به شدت سانسور می شدند و هرگونه صدای مخالفی با سرکوب شدید روبرو می شد. این فضای خفقان، باعث انباشت نارضایتی‌های پنهان می شد و هر جرعه کوچکی می توانست به انفجار آنی منجر شود. قیام گوه‌رشاد، نمود همین انباشت نارضایتی‌ها در مواجهه با یک سیاست تحمیلی بود.

قیام مسجد گوه‌رشاد نقطه اوج مقاومت مردمی در برابر قانون کشف حجاب بود که با جزئیات تلخ و تکان دهنده ای همراه بود. پس از تصویب قانون کشف حجاب و اعلام اجبار به استفاده از چادر مشکی و کلاه شاپو برای زنان، روحانیون و بازاریان متدین مشهد به شدت ابراز نارضایتی کردند. اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌هایی در مخالفت با این قانون صادر شد و مردم به حضور در مساجد و اماکن مذهبی تشویق شدند تا اعتراض خود را نشان دهند.

اوج گیری اعتراض

روز عید فطر سال ۱۳۱۴، زمانی که قرار بود رضاشاه برای افتتاح دانشسرای مقدماتی دختران و حضور در مراسم عید فطر به مشهد سفر کند، به فرصتی برای ابراز مخالفت علنی تبدیل شد. هزاران نفر از مردم مشهد، زن و مرد، با حضور در اطراف حرم رضوی و به ویژه در مسجد گوه‌رشاد، تجمع کردند. این تجمع، ابتدا با شعارهای مذهبی و اعتراضی علیه کشف حجاب همراه بود.

نمایندگان مردم و روحانیون در صدد مذاکره با استاندار خراسان و مقامات دولتی برآمدند تا رضاشاه را از اجرای این قانون منصرف کنند. آنها خواستار لغو اجبار به کشف حجاب و حفظ آزادی پوشش مذهبی بودند. اما حکومت، این درخواست‌ها را نپذیرفت و بر اجرای قانون پافشاری کرد.

با افزایش شمار تظاهرکنندگان و شدت گرفتن اعتراضات، نیروهای نظامی و امنیتی به فرماندهی استاندار خراسان، منطقه اطراف حرم و مسجد گوه‌رشاد را به محاصره درآوردند. به مردم داخل مسجد اولتیماتوم داده شد که متفرق شوند، اما آنها به دلیل باورهای مذهبی و اطمینان به حرمت حرم، مقاومت کردند.

در بامداد روز پنج شنبه ۱۷ تیر ۱۳۱۴ (۲۶ ژوئیه ۱۹۳۵)، نیروهای ارتش و شهربانی، تحت فرماندهی و با دستور مستقیم از تهران، به مسجد گوه‌رشاد یورش بردند. این حمله با خشونت بی سابقه ای همراه بود. تانک‌ها و مسلسل‌ها به سمت جمعیت بی دفاع در داخل و اطراف مسجد آتش گشودند. گزارش‌های شاهدان عینی و اسناد تاریخی حاکی از آن است که صدها نفر از مردم بی گناه، از جمله زنان، کودکان و سالخورده‌گان، در این واقعه به خاک و خون کشیده شدند. آمار دقیق تلفات هیچ گاه به طور رسمی اعلام نشد، اما تخمین‌ها از چند صد تا بیش از هزار کشته متغیر است.

بلافاصله پس از سرکوب قیام، موجی از دستگیری‌ها آغاز شد. بسیاری از روحانیون برجسته مشهد، از جمله آیت الله اردبیلی و آیت الله قمی، دستگیر و زندانی شدند. آیت الله قمی، که از رهبران اصلی این قیام بود، پس از آزادی مشروط تبعید شد.

زخمی که بر دل ماند

قیام مسجد گوه‌رشاد، علیرغم سرکوب وحشیانه اش، پیامدهای عمیق و ماندگاری برجای گذاشت. این حادثه به وضوح نشان داد که رضاشاه تا چه حد برای اجرای خواسته‌های خود مستبد است و برای سرکوب هرگونه مخالفت، از توسل به خشونت ابایی ندارد. پس از این واقعه، فضای سیاسی کشور بیش از پیش امنیتی شد و هرگونه فعالیت مخالفان، با شدت بیشتری سرکوب می گردید. سرکوب خونین مردم بی دفاع در جوار حرم امام رضا (ع)، احساسات عمومی را علیه حکومت رضاشاه به شدت جریحه دار کرد. این واقعه، بسیاری از کسانی را که پیش تر نسبت به سیاست‌های او بی تفاوت بودند، به مخالفان سرسخت حکومت تبدیل کرد و نارضایتی‌ها را در لایه‌های مختلف جامعه، به ویژه در میان مذهبی‌ها و طبقه بازاری، تعمیق بخشید.

قیام گوه‌رشاد به یکی از قوی‌ترین نمادهای مقاومت مردمی در برابر استبداد و تلاش برای حفظ هویت دینی و فرهنگی ایران تبدیل شد. این رویداد در خاطره جمعی نیروهای مذهبی و انقلابی، همواره زنده مانده و الهام بخش مبارزات بعدی بوده است. با وجود اجرای کامل قانون کشف حجاب در دوران پهلوی اول، حادثه گوه‌رشاد نشان داد که این سیاست با مقاومت و هزینه‌های سنگینی همراه است. هرچند حکومت موفق شد قانون را اجرا کند، اما نتوانست ذهنیت و باورهای مردم را به آسانی تغییر دهد. این مقاومت در طول سال‌های بعد، در اشکال مختلف ادامه یافت.

قیام گوهرشاد همچنان موضوع مورد بحث مورخان، جامعه شناسان و اندیشمندان است. این واقعه به عنوان یک مطالعه موردی مهم در زمینه رابطه دولت و دین، فرآیند نوسازی در جوامع در حال توسعه، و دینامیک های مقاومت اجتماعی در برابر سیاست های اقتدارگرایانه شناخته می شود. این حادثه به خوبی نشان می دهد که چگونه تلاش برای تحمیل سریع و بدون ملاحظه تغییرات فرهنگی، می تواند به تنش های عمیق و درگیری های خونین منجر شود.

قیام مسجد گوهرشاد، فصلی تلخ و در عین حال پر افتخار در تاریخ معاصر ایران است. این رویداد، که در اعتراض به سیاست تحمیلی کشف حجاب شکل گرفت، حاصل انباشت نارضایتی های عمیق از سیاست های اقتدارگرایانه رضاشاه بود. مقاومت شجاعانه مردم در این واقعه، هرچند با سرکوب وحشیانه مواجه شد، اما گواهی بر پایداری ارزش های فرهنگی و دینی در برابر تحولات تحمیلی است.